

در بیان طغیان نواب شاهزاده حسینقلی خان ثانی برادر خاقان گیتی‌ستان حضرت فتحعلی شاه قاجار و حرکت اردوی همایون اعلیٰ به جانب عراق و اصلاح این

فساد عظمی و داهیة کبری..... ۷۴۶۱

ذکر وقایع متنوعه..... ۷۴۶۳

در ذکر سرکشی امیر سلیمان خان قاجار و مقابلهٔ پادشاه و الاجاه فتحعلی شاه

قاجار با نواب حسینقلی خان و اصلاح آن ولا..... ۷۴۶۴

ذکر حال امیر سلیمان خان اعتضادالدوله و آمدن به خاکبوسی پادشاه کامکار..... ۷۴۶۷

در بیان بعضی از سوانحات و واقعات سال یک هزار و دوست و سیزده

و مأموریت امرای عظام و سرداران کرام به انتظام ممالک محروسهٔ ایران..... ۷۴۷۰

ذکر مراجعت نواب شاهزاده محمود میرزای افغان ولد تیمور شاه ابدالی به

جانب هرات و شرح حال وی..... ۷۴۷۱

ذکر آمدن جعفرقلی خان دنبلی به خوی و سلماس و محاربه با حسینقلی خان

بن احمد خان دنبلی برادر اکبر خویش و سایر سوانح اتفاقیه..... ۷۴۷۲

در ذکر بروز و ظهور خیرات و مبرات و نذورات و ائینه و تعمیر مشاهد

مقدسه و بنای قصر قاجار..... ۷۴۷۴

بنای قصر قاجار..... ۷۴۷۶

در ذکر مأموریت شاهزاده عباس میرزای ولیعهد به آذربایجان و مدافعه جعفر

قلی خان دنبلی و ایالت شاهزادگان دیگر ولایات..... ۷۴۷۶

در ذکر بعضی از وقایع خراسان و هرات و حال نادر میرزای افشار بن شاهرخ

بن نادر شاه و اشاره به سوانح هرات و اختلاف شاهزادگان افغانه و حرکت

حضرت پادشاه کشورستان سلطان فتحعلی شاه قاجار به جانب خراسان و

انتظام آن دیار..... ۷۴۷۸

در ذکر عصیان جعفر خان بیات حاکم نیشابور و قتل پسر وی و استخلاص شهر

مذکور..... ۷۴۸۰

در ذکر محاصرهٔ ارض اقدس و قحط و غلا و اظهار ضراعت و اطاعت نواب

نادر میرزا و قصد مراجعت پادشاه کارآگاه سلطان فتحعلی شاه از خراسان به

دارالملک طهران..... ۷۴۸۲

ذکر مخالفت الله یارخان قلیجی سبزواری به مشاورت صادق خان شقاقی و

۷۴۸۴ معاودت حضرت خاقانی

در ذکر فتوحات نواب نایب السلطنه عباس میرزا و فتح خوی و فرار جعفرقلی

۷۴۸۶ خان دنبلی

ذکر بعضی از حالات شاهزاده محمود افغان و مراجعت او دیگر باره از هرات به
ایران و التجا به حضرت شاهنشاه گیتی ستان فتحعلی شاه قاجار و توطن در

۷۴۸۹ اصفهان

۷۴۸۹ عروسی حسینعلی میرزا

ذکر ورود نواب مهدی قلی خان فرستاده حکمران هندوستان کنپانی انگلیس و
آمدن سفیر تیپو سلطان دکنی به حضور خاقان فلک شأن فتح علی شاه قاجار و

۷۴۹۰ سایر سوانح این روزگار

۷۴۹۱ اظهار ندامت الله یارخان قلیجی

ذکر ایالت نواب شاهزاده محمدقلی میرزا و نواب شاهزاده حسینعلی میرزا در

۷۴۹۲ مازندران و فارس

۷۴۹۳ وقایع متنوعه

ذکر عزیمت حضرت پادشاه فلک جاه به تسخیر سبزواری و نیشابور و خراسان

۷۴۹۴ و مراجعت به طهران

۷۴۹۶ تولد رضاقلی خان هدایت

در بیان نهضت پادشاه فلک جاه به جانب قزوین و جشن زفاف شاهزاده محمد
علی میرزا و انتظام امر گیلانات و ورود بریکه دیرجان مالکم بهادر سفیر دولت

۷۴۹۷ بیهه انگلستان از جانب مارکوئیس لارد ولزلی فرمانفرمای هندوستان

۷۴۹۷ سفیر فرمانفرمای هندوستان در ایران

۷۵۰۰ وقایع دیگر

ذکر بروز نافرمانی و سرکشی برادران و منسوبان حاجی ابراهیم خان اعتماد
الدوله صدراعظم و ظهور سیاست شهریاری کامکار معظم و انقراض سلسله و

۷۵۰۱ دولت وی

ذکر تفویض صدارت اعظم به میرزا محمد شفیع بن میرزا احمد مشهور به

- مازندرانی..... ۷۵۰۴
- میل شاهانه به شکار..... ۷۵۰۴
- در ذکر طغیان حسینقلی خان و اضمحلال وی در شهر قم..... ۷۵۰۵
- عروسی عباس میرزا نایب‌السلطنه با دختر محمد خان دولویگلریگی
تهران..... ۷۵۰۸
- در ذکر سفر خیریت اثر خراسان و غلبه و قهر بر امرای آن سامان..... ۷۵۰۹
- ذکر سفر مشهد مقدس و وقایع آن ارض اقدس..... ۷۵۱۰
- در بیان قحط و غلای شهر مشهد مقدس و طول زمان محاصره و استشفاع
جناب فضایل مآب میرزا محمد مهدی مجتهد و استخلاص شهر و اخذ نادر
سلطان بن شاهرخ شاه بن رضاقلی میرزا بن نادر شاه و مراجعت موکب ظفر
کوکب از خارج شهر به جانب دارالسلطنه و سایر وقایع اتفاقیه این سال که
یک هزار و دویست و هفده بوده..... ۷۵۱۴
- در ذکر شهر سمنان و ورود حضرت خاقان‌گیتی‌ستان سلطان فتحعلی شاه قاجار
در آن شهر ارم بهر و طویهای شاهانه و خدمات شایان نواب مستطاب شاهزاده
محمد ولی میرزا حاکم آن دیار و سایر وقایع آن ایام..... ۷۵۱۶
- در ذکر فتنه طایفه ضالّه وهابیه و قتل عام کربلای معلی و مختصری از عقاید
آن قوم گمراه..... ۷۵۱۷
- در ذکر حال محمود میرزا و شاه زمان افغان و حال قیصر میرزا و رفتن به طهران
ذکر نخجیر مازندران و قصد استرآباد و تنبیه کوکلان و یموت و مراجعت به
طهران..... ۷۵۲۱
- وفات والده فتحعلی شاه..... ۷۵۲۲
- ذکر تسخیر مشهد مقدس و گرفتاری نادر سلطان بن شاهرخ و ایالت نواب
شاهزاده محمد ولی میرزا در خراسان..... ۷۵۲۲
- در بیان خواتیم کار نادر سلطان افشار و اولاد و احفاد شاهرخ و انقراض دولت
نادر شاه و سایر واقعات..... ۷۵۲۴
- وقایع سال ۱۲۱۸ هـ / ۱۸۰۳ م و آغاز جنگ روس و ایران..... ۷۵۲۵
- حکومت ابراهیم ظهیرالدوله در کرمان..... ۷۵۲۵

- ۷۵۲۶ حکومت تهران
 ذکر حرکت رایات ظفر آیات نواب مستطاب شاهزاده امجد کامکار نایب السلطنه
 عباس میرزا به جانب آذربایجان و مدافعه روسیه و قتل جواد قاجار زیادلو
- ۷۵۲۶ حاکم گنجه و سایر وقایع آن زمان
 توضیح حرکت نواب شاهزاده والاتبار عباس میرزای نایب السلطنه و لیعهد
 دولت قاجار به جانب ملک آذربایجان و بیان واقعه قتل حاجی خلیل خان
 قزوینی سفیر ایران و عذرخواهی فرستاده دولت بهیه انگلیس و سفارت
- ۷۵۲۹ محمدنبی خان قزوینی بدان ملک و سامان
 واقعه قتل حاجی خلیل خان سفیر ایران در هندوستان
- ۷۵۳۰ سفارت محمدنبی خان خواهرزاده حاجی خلیل خان
 در بیان حرکت نواب شاهزاده نایب السلطنه به جانب ایروان و مخالفت محمد
 خان ایروانی قاجار
- ۷۵۳۲ ذکر مقابله و مقاتله سپاه نواب نایب السلطنه عباس میرزا و سیسیانوف سردار
 لشکر روسیه در اوج کلیسای ایروان و بعضی وقایع آن اوان
 ذکر ندامت محمد خان قاجار زیادلوی ایروانی از موافقت سردار روسیه و
 متوسل شدن به حضرت نایب السلطنه العلیه العالیه و مصمم گردیدن سردار
 روسیه به محاصره قلعه ایروان و سایر وقایع آن روزگار
- ۷۵۳۳ ذکر عزیمت موبک شاهانه از تبریز به جانب ایروان و محاربات با سپاه روسیه
 و مراجعت ایشپخدر از ایروان به جانب تفلیس
- ۷۵۳۶ ذکر سلاطین اوزبک بخارا و مجملی از حالات ایشان و آمدن فرستاده ناصرالدین
 توره به خدمت خاقان سکندر شان فتحعلی شاه قاجار و سایر سوانح روزگار
- ۷۵۳۷ ذکر طغیان محمد خان ولد اعظم خان افغان سیستانی در بم و نرماشیر کرمان
 و مأموریت نرروز خان قاجار سالار بار
- ۷۵۴۱ ذکر عزیمت پادشاه فلک جاه سلطان فتحعلی شاه قاجار به آذربایجان
 و مأمور شدن شاهزاده نایب السلطنه عباس میرزا به تسخیر شوشی و محاربه
 اسمعیل خان دامغانی با محمدحسن خان بن ابراهیم خلیل خان جوانشیر
- ۷۵۴۲ ذکر محاربه نواب شاهزاده نایب السلطنه با بولکونوک روسی که از جانب

سیسیانوف ایشپخدر سردار روسیه به امداد ابراهیم خلیل خان به شوشی روانه

بود و هزیمت بولکونوک و کتلراوسکی و مراجعت به جانب گنجه ۷۵۴۶

در بیان فتح قلعه ایروان به دست مهدیقلی خان قاجار قوینلو و آمدن شفت

روسی از بحر خزر به گیلان و مأمور شدن میرزا یوسف مستوفی گرجی اشرفی

به گیلانات و هزیمت ینارال شفت روسی ۷۵۴۹

در ذکر آمدن ینارال شفت روسی به بندر انزلی گیلان و محاربه و هزیمت یافتن

از گیلاتیان ۷۵۵۰

ذکر مبارزت سپاه ایران به معاونت شاهزاده محمد ولی میرزا با تراکمه سرخس

و طرّون و آخال ۷۵۵۱

در ذکر تسخیر گنجه در دست شاهزاده نایب السلطنه عباس میرزای قاجار ۷۵۵۳

در ذکر ورود احمد چلبی از بغداد و آوردن عریضه علی پاشا و مأمور شدن

میرزا صادق مروزی ۷۵۵۴

در ذکر وقایع سیسیانوف ایشپخدر سردار روسیه و رفتن او به بادکوبه و کشته

شدن وی در دست اهالی بادکوبه ۷۵۵۵

وفات اعتضادالدوله سلیمان خان ۷۵۵۷

در ذکر واقعات عید سعید نوروز فیروز سال خجسته مآل یک هزار و دوست

و بیست و یک هجری و تفویض منصب استیفای ممالک به جناب حاجی

محمد حسین خان بیگلربیگی اصفهان و تفویض اصفهان به عبدالله خان پسر

وی و نهضت موکب فیروزی کوکب به چمن سلطانیه و احضار سردار خراسان

و سایر وقایع آن ایام ۷۵۵۸

وزرای چهارگانه ۷۵۵۸

سرداری سپاه و سرداری خراسان ۷۵۶۰

در ذکر مجملی از حال دولت فرانسه و آمدن موسی ژوپر فرستاده ایمپراطور

فرانسه ناپلئون به ایران و سفارت میرزا رضای قزوینی به جانب پاریس ۷۵۶۰

در بیان واقعه قتل امیر ابراهیم خلیل خان جوانشیر حاکم پناه‌آباد و شوشی و

قرباباغ در دست سپاه روسیه و اختلال امر قرباباغ و رفتن امرا و سردار ایران بدان

حدود و واقعات آن اوان ۷۵۶۳

- ۷۵۶۵ اختلال امر قزلباغ
در بیان نهضت نواب شاهزاده نایب‌السلطنه به جانب قزلباغ و آمدن ینارال
- ۷۵۶۶ نیالسن روسی از تفلیس به قزلباغ و وقایع اتفاقیه آن ایام
در ذکر بعضی واقعات که فی مابین افواج و امرای شاهزاده با حکام دریند و
- ۷۵۶۸ شیروان روی داده
- ۷۵۷۰ وبای عام در اردوی عباس میرزا نایب‌السلطنه
در بیان اسباب منازعت و مخالفت فی مابین امرای دولت علیه ایران و شوکت
- ۷۵۷۰ سنیه عثمانیه و ایالت شاهزاده محمدعلی میرزا در آن صفحات
بیان محاربه علی پاشا حاکم بغداد با سپاه پادشاه ایران و شکست عثمانیه و
- ۷۵۷۲ گرفتاری سلیمان پاشای کهنیا
در ذکر واقعات آذربایجان و واگذاشتن حکام آن بلاد و لایات خود را به دست
- ۷۵۷۴ سپاه روسیه و مأمور شدن حسین خان قاجار قزوینی به حکومت ایروان و
سرداری آن سامان از جانب حضرت خاقان گیتی ستان فتحعلی شاه قاجار
- ۷۵۷۴ ذکر حرکت پادشاه جم جاه ایران به سلطانیه و ایالت نواب شاهزاده علی نقی
میرزا در قزوین و منازعه گداویج سردار روسیه با یوسف پاشا سرعسکر
- ۷۵۷۶ عثمانیه
در ذکر محاربه نواب شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان با فیروزالدین
- ۷۵۷۸ میرزا والی هرات و کشته شدن صوفی اسلام و هزیمت فیروزالدین میرزا
ذکر ورود سفیر دولت قویمه فرانسه از جانب امپراطور ناپلیون پادشاه فرانس
- ۷۵۸۰ با معلمین فرانسه به حضور شاهنشاه ایران و تفقدات شاهانه با جنرال غاردان خان
ذکر آغاز نظام جدید در ملک ایران و بعضی وقایع آن اوان و آمدن سلیمان آقا
- ۷۵۸۳ سفیر سلطان سلیم خان عثمانی به دارالسلطنه تهران
در بیان بعضی واقعات حدود ارزنة الروم و بغداد و سفارت جناب آقا ابراهیم
- ۷۵۸۶ خوئی
- ۷۵۸۷ سفارت آقا ابراهیم خوئی
در ذکر مجملی از حال ممالک سند و آمدن فرستادگان میران آن ولایت به درگاه
- ۷۵۸۷ پادشاه ایران

در بیان وصول فرستادهٔ غراف گداویچ و پیام او به جنرال غاردان خان سفیر

فرانسه و بعضی واقعات این سال..... ۷۵۹۱

در بیان رفتن فرج‌الله خان افشار به استقلال عبدالرحمن پاشای بابان و آمدن نواب

شاهزاده محمدعلی میرزا به حضور مبارک حضرت خاقان و شرفیابی میرزا

بزرگ فراهانی وزیر شاهزاده نایب‌السلطنه به اردوی مبارک پادشاه گیتی‌ستان..... ۷۵۹۲

در بیان ورود جنرال ملکم بهادر انگلیس از هندوستان به حوالی بندر ابوشهر و

مراجعت او و خبر مأموریت مستر سر هر فرد جنس از انکلتره به جانب ایران و

ولادت کثیرالسعادة شاهزاده آزاده محمد میرزا ولد امجد نایب‌السلطنه العلیه

العالیه در این سال سعادت منوال و بعضی واقعات دیگر..... ۷۵۹۴

تولد محمد میرزا و دیگر شاهزادگان..... ۷۵۹۵

ذکر حرکت غراف گداویچ به عزیمت ایروان و وصول امرای ایروان و متازعه

سپاه دو دولت با یکدیگر..... ۷۵۹۶

ذکر آمدن نواب نایب‌السلطنه به لب رود ارس و فرستادن سرداران به محاربه

سپاه روسیه و ظفر یافتن..... ۷۵۹۷

ذکر محاصرهٔ ایروان و محاربه با روسیه و رفتن گداویچ به گرجستان و انهزام

روسیه..... ۷۵۹۹

در بیان رضحی از شرح جزایر ولایات دولت انگلیس و وضع آن جزایر و صفت

شهر مشهور به لندن دارالسلطنه انگلستان و مأمور شدن سر هر فرد جنس بارونت

ایلچی بزرگ دولت بهیه انگلیس از لندن به ایران و صدور واقعات..... ۷۶۰۱

ذکر مشاورت و محاورت وزرای دولت علیه ایران و التزام جنرال غاردان سفیر

دولت قویه فرانسه و رفتن غاردان خان و آمدن سر هر فرد جنس بارونت سفیر

بزرگ دولت بهیه انگلیس به ملک ایران و حضور حضرت خاقان اکبر فتحعلی

شاه قاجار..... ۷۶۰۵

ذکر فتوای علمای اسلام بر غزا و جهاد با سپاه روسیه و آمدن فتحعلی خان

خواجه‌وند از سفارت سند و آمدن میراثیت علی از سند با پیشکش و عریضه

به حضور حضرت خاقان گیتی‌ستان و مراجعت جناب شیخ‌الاسلام آقا ابراهیم

خوئی از اسلامبول و بیان زلزله این سال..... ۷۶۰۷

- ۷۶۰۸..... وقوع زلزله
ذکر مأموریت شاهزادگان و تعیین وزرای ایشان به بلاد خمسه و بروجرد و
- ۷۶۰۹..... ملایر به حکم پادشاه جم جاه
ذکر سفارت حاجی میر از ابوالحسن خان شیرازی به لندن و از راه اسلامبول
- ۷۶۱۰..... روانه شدن
ذکر ورود جنود نامعدود حضرت پادشاه سلیمان جاه قاجار به چمن سلطانیه
- ۷۶۱۱..... و اوجان و شرفیابی شاهزادگان بزرگوار نواب محمد علی میرزا و نایب السلطنه
به حضور سلطانی
- ۷۶۱۲..... ذکر مأموریت شاهزادگان عظام نواب نایب السلطنه و نواب محمد علی میرزا به
محاربه روسیه و رفتن به گنجه و قراباغ و تفلیس و پیروزی یافتن بر سران
- ۷۶۱۳..... روسیه
ذکر مصاف فرج الله خان با مصطفی خان طالش و هزیمت او و گرفتاری خوانین
- ۷۶۱۴..... شاهسون
در ذکر مأموریت ابوالفتح خان جوانشیر به محال قپان و مقری و بعضی صادرات
- ۷۶۱۵..... آن ایام
ذکر غلبه نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بر تراکمه تکه و لقب یافتن بعضی از
- ۷۶۱۶..... اعظم دربار سلطانی و منصوب شدن به مناصب شایسته مانند قائم مقام و
معمدالدوله
- ۷۶۱۷..... تعیین مناصب جدید و القاب تازه
در بیان مأموریت صادق خان قاجار از نواب شاهزاده حسینعلی میرزا به محاربه
- ۷۶۱۸..... اعراب و قتل ایشان و تسخیر بستک و جهانگیریه
ذکر نهضت موکب شاهنشاهی به چمن سلطانیه و مأمور شدن نواب شاهزاده
- ۷۶۱۹..... علی خان و دیگران به اطراف
سفارت سیر جان ملکم
- ۷۶۲۰..... ذکر سرداری ابراهیم خان قاجار به قراباغ و مراجعت او و بیان واقعه قتل سلیمان
- ۷۶۲۱..... پاشای وزیر بغداد و ایالت عبدالله پاشا
ذکر شبیخون روسیه بر حسین خان سردار و فرار او و مراجعت او و شبیخون بر
- ۷۶۲۲.....
- ۷۶۲۳.....

- ۷۶۲۴..... سپاه روسیه و هزیمت روسیه و فتوحات دیگر.....
 ذکر وصول فرستادهٔ سلطان محمود خان از اسلامبول و جشن عروسی شاهزاده
- ۷۶۲۶..... آزاده نواب عبدالله میرزای دارا و نواب شیخعلی میرزا در سلطانیه.....
 ذکر فتوحات خراسان به دست نواب شاهزاده محمد ولی میرزا و تسخیر شهر
- ۷۶۲۷..... زور و کوی و حریر در دست شاهزاده محمد علی میرزا.....
- ۷۶۲۸..... جنگ محمدعلی میرزا دولتشاه با رومیان.....
 ذکر مراجعت حاجی میرزا ابوالحسن خان سفیر دولت علیه ایران به اتفاق ایلچی
 انگلیس سرگور اوزلی با رونت به جانب ایران و طوفانی شدن زورق ایشان در
 بحر محیط و افتادن به حوالی مُلک برازیل از ممالک پرتکس و بازگشتن به
- ۷۶۳۰..... سواحل و بنادر عمان و رسیدن به طهران.....
 ذکر محاربه سلطان بود و غلبه سپاه اسلام بر صالحات روسیه و آوردن آنها به
- ۷۶۳۳..... دارالسلطنه طهران و حضور خاقان.....
- ۷۶۳۵..... دقینهٔ مزار ارغون خان.....
- ۷۶۳۵..... تولد شاهزادگان.....
 ذکر نهضت پادشاه اسلام به سلطانیه و مأمور شدن سپاه کینه خواه به لنکران و
- ۷۶۳۶..... تدمیر مصطفی خان طالش و محاربه با وی.....
 رفتن نواب شاهزاده محمدعلی میرزا و امیر محمد قاسم خان ظهیرالدوله به
- ۷۶۳۷..... تسخیر بغداد و گوشمال عبدالله پاشا.....
 ذکر شبیخون کتلروسکی سردار روسیه در منزل اصلاندوز بر سپاه نواب شاهزاده
- ۷۶۳۸..... نایب‌السلطنه و جنگ طرفین و غلبه سپاه روسیه.....
 ذکر مقابلهٔ کتلروسکی با سپاه لنکران و ارگوان و غلبه بر هر دو و هزیمت اهالی
- ۷۶۴۱..... ایران.....
- ۷۶۴۳..... در ذکر سلاطین فرانسه بوربن تا بنه پارت ناپلیون مشهور به ایمپراطور.....
 ذکر حال یوسف خواجه کاشغری و طغیان او و مأموریت شاهزادگان به مدافعه
- ۷۶۴۴..... وی و انجام روزگار او.....
 ذکر کشته شدن عبدالله پاشا حاکم بغداد در دست اسعد بیک بن سلیمان پاشای
 کهیا و حکومت او در بغداد و فرستادن رجب آقا به حضور پادشاه جم جاه

سلطان فتحعلی شاه و آمدن جلال‌الدین افندی ایلچی سلطان محمود خان

۷۶۴۷..... عثمانی و سایر واقعات این سال

۷۶۴۸..... خلعت حاکم و امرای خراسان

۷۶۴۸..... وقایع آذربایجان و جنگ با روسیه

ذکر تمنای نیکولای ردیشجوف سردار روسیه از سرگور اوزلی بارونت ایلچی

بزرگ دولت انگلیس قرار مصالحه فی مابین دولتین را و رفتن میرزا ابوالحسن

۷۶۵۰..... خان به گلستان و قرار مصالحه

صورت عهدنامه [ای] که در میان دولت ایران و روس به صلاح و صوابدید

۷۶۵۱..... میرزا ابوالحسن خان [ایلچی]، و سردار روسیه مرقوم شد

۷۶۵۸..... صورت نوشته سردار روسیه نیکولای ردیشجوف سپارنی اکد

ذکر رفتن میرزا محمدرضای قزوینی به سفارت اسلامبول و خیر قتل یوسف

۷۶۵۸..... خواجه کاشغری در استرآباد

۷۶۵۹..... قتل یوسف خواجه کاشغری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

[پیشگفتار]

آغاز هر نامه را به نام ملک الملوک بی آغاز و انجام نباید آراستن، و از او حول و قوه خواستن که سلاطین بزرگ را که ظلال آفتاب جلال اویند به خلعت عزّت و مجدّت اختصاص داده؛ و ابواب ابهت و نجدت بر روی هریک گشاده، و در پرتو تجلیات لطفیه و قهریه پرورده و مظاهر صفات جمالیّه و جلالیه خود کرده، تا ارباب بصیرت در آن آینه پر جلا، اشعه انوار سلطنت او بینند و اصحاب بصارت در آن روضه باصفا ازهار معرفت او چینند؛ و خواقین سترگ را که نمود بود اویند به هرچندی تغییر و تبدیل داده و مملکت هریکی را به مملکی دیگر تفویض و تحویل کرده تا اهل ذکا و فطنت بدانند که شاهنشاه حقیقی اوست؛ و شاهان مجازی را به ارادت او تشریف مکانت و سرافرازی که تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ علی الجملة مَلِکِ مُلْکِ اوست به هرکه خواهد دهد و از هرکه خواهد ستاند، و آنچه خواسته توانسته، و آن چه خواهد تواند، عقل و نقل از حقیقتش آگاه و چون و چرا را در حضرتش راه نه، وجود شهبان جهان بر نطع جلالش به منزله شاه شطرنج و قوام بنیان کیهان در جنب دوامش به مثابه سرائی است سپنج:

نظم

بری ذاتش از تهمت ضد و جنس غنی ملکش از طاعت جن و انس
یکی را به سر برنهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
بر فرستادگانش درود که مظهر جامعه فرازند و فرود خاصه حضرت زیده انبیا و
رسل و هادی شرایع و سبیل برزخ ذوجهتین، عوالم آفرینش و مرآت ذوجهین

مراتب دانش و بینش مقوی ارواح کامله؛ و مربی اشباح قابله، خجسته صدر سریر صفا و تابنده بدر سپهر وفا محمد مصطفی و اصحاب و احباب و خلفا و اوصیا و اولاد و احفاد او که عکوس شمس افلاک ولایت و انوار اقمار سموات هدایتند صلوات الله و سلامه علیه و علی اخلافه و اسلافه الطاهرین اجمعین.

اما بعد چون پس از انقراض دولت سلسله علیّه عالیّه سادات صفویه موسویه انارالله براهینهم و انجام مدّت سریع الاتمام افشاریه، زمان آغاز طلوع و ظهور خورشید دولت ابد مدّت سلسله علیه عالیّه خواقین قاجاریه، اطاله الله الی یوم القيمة و حرسه الله بالسلامه بود و در تقدیم و تأخیر قوام تخت و مهد طبقات سلاطین عهد سبقت، ایام خروج مشروط و قدمت زمان عروج منوط است؛ و خروج سلطان سعید شهید محمدحسن خان بن فتحعلی خان قاجار در زمان حیات و اوان ممات نادرشاه افشار تجدّد و تکرار یافته؛ لهذا بدین ملاحظات قاعده دولت ابد مدّت خواقین قاجاریه بر داعیه خوانین الواریه اقدم و اسبق و خود در همه حال تقدم این سلاطین اولی و الیق است. بنابراین بعد از زمان خاقان جنت مکان شهید محمدحسن خان شرح حال خوانین زندیه با هر که معاصرند بین الاجمال و التفصیل خالی از تطویل ترقیم خواهد یافت؛ و دیباچه این دفتر که مجموعه مآثر و مفاخر آباء و اجداد امجاد والانژاد حضرت خدیو عهد و شاهنشاه عصر ایده الله بالفتح و النصر و فی المثل نهم سپهر بست واسع و به منزله فلک تاسع بر زغم ساده سپهر از اسامی سامی سلاطین بزرگ و نیاکان خاقان ترک گردونی است، مشحون به ماه و مهر به نام نامی و القاب گرامی حضرت پادشاه فلک جاه معنون و مزین می گردد.

لمؤلفه

خرم نیا که از وی ماند چنین سلیل فرخ پدر که در پی دارد چنین پسر
 و هو السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم حامی البلاد و راعی العباد ناصب ریات
 العدل و الانصاف و ماحی آیات الظلم و الاعتساف قهرمان ماء و الطین [۲] معین الملة
 و الدین ظلّ الله فی الارضین ناصر الاسلام و المسلمین السلطان بن السلطان و الخاقان
 بن الخاقان السلطان ناصرالدین شاه قاجار لازالت شمس قباب اجلاله طالعة و بدور
 کئوس حصول آماله لامعة مادامت الشمس واضح و البدر لایح.

نبرد قدرت

از افول افشاریه تا

قدرت یافتن کریم خان زند

اصل و نسب قاجاریه

گفتار در ذکر سلطنت

سلسله علیه جلیله قاجاریه و

تحقیق نسب و حسب و اجداد امجاد

سلاطین و خواقین این دو دمانِ جلالت بنیان

کثرهم الله تعالی

پوشیده مماناد که اصل اصیل ایلِ جلیلِ قاجاریه به ترک بن یافث بن نوح علیه السلام می پیوندد و قاجار طایفه ای از طوایف و قبیله ای از قبایل ترکند. و گفته اند که: چون از اولاد قاجار نویان بن سرتاق نویان بن سابا نویان بن جلایر بن نیرون بوده اند به نام جد اعلی شهرت نموده اند. و قاجار منقسم به سه طایفه شده اند: سلدوس و تنگقوت و جلایر. و سلدوس اصلاً به ایران نیامده اند و طایفه تنگقوت سی چهل تنگقوت و جلایر بوده به طوایف مغول پیوسته اند، و جلایر در اکثر بلاد توران و ایران مکنت و حشمت یافته اند و مانند قاجار و سایر طوایف معروف شده اند.

اما سرتاق نویان پدر قاجار نویان به فرمان اباقاخان مغول به اتابیکی ارغون خان معرّز و منصوب و مکرم و مخصوص می بوده و به وکالت و نیابت آن پادشاه ذیجاء از لب رود آمویه مشهور به جیحون الی حدود ری حکمرانی و فرمانگزاری می نمود؛ و از قزل آقاج مغان تا حدود نیشابور مملکت خاصّه او بوده؛ و کسی در آن تصرف و شرکت نداشته. و غالباً سرتاق نویان در ولایت گرگان می زیسته و اولادش در استراباد و مازندران بسیار شده.

بعد از فوت سرتاق نویان در زمان غازان خان ولایت سرتاق به پسرش قاجار

نویان مفوّض شد. و قاجارنویان امیری با حشمت و شجاعت و لشکرکشی با شهامت و مناعت بوده، و این قبیلهٔ نبیله به نام قاجار نویان معروف آمده و اولاد نامدار و احفاد کامکارش در گرگان و ایران ملجأ بزرگان و منجأ امیران شده‌اند و روز به روز در تعدّد و زایش و عدّت و فزایش می‌بوده‌اند تا بساط دولت آل چنگیز برچیده گشت؛ و بعضی از اولاد او در ماوراءالنهر بر مسند خانیت بخارا متکی بودند.

و بعد از ضعف دولت گورکانیه و قوت سلاطین ترکمانیه قراقوینلو، ابوالنصر حسن بیک آق‌قوینلو^۱ که در نسب با سلسله علیه قاجاریه مشارکت داشت، لوای کشورستانی برافراشت و با سلسله‌ها علیّه صفویه به ارادت و قرابت اختصاص جست؛ و شاه اسمعیل صفوی که از طرف پدر موسوی و از جانب مادر آقچه قوینلو بود، با قاجاریه به طریق یگانگی و ایلیت سلوک می‌نمود. لهذا بزرگان قاجار در موافقت دولت صفویه کمال موافقت مسلوک می‌داشتند و ولایات بزرگ و مناصب عالی می‌یافتند.

و در سنهٔ نهصد و شصت و نه (۹۶۹ هـ / ۱۵۶۱ - ۱۵۶۲ م) از جانب پادشاه ذیجاء ایران شاه طهماسب ماضی صفوی، شاهقلی بیک قاجار که جدّ اعلای نواب فتحعلی خان قاجار بن شاهقلی خان ثانی بوده به سفارت روم رفته بود و در وکالت دولت با سلطان سلیمان خان خواندگار بنابر نتایج «الصلح خیر» قرار مصالحه داده مراجعت نموده، چنانکه در ضمن بعضی وقایع آن سال مرقوم شده است. در تمام دولت سلسله صفویه غالب امیرالامرائی قراباغ و گنجه و حکومت خراسان و مرو و استرآباد با طایفهٔ قاجاریه زیادلو و قوینلو بود. چنانچه در ضمن صوادریام و سوانح احوال آن سلسلهٔ علیّه اشارتی شده [است].

در وقتی که نوبت سلطنت شاه عباس ماضی بلندآوازه شد، چون مادر او از آن طایفه نبوده و از کثرت شوکت و وفور حشمت قاجاریه توهم می‌نموده ایشان را سه فرقه کرده: قسمتی را به مرو و خراسان حکومت داده؛ و جمعی را در قراباغ گذاشته، فرقه‌ای را به گرگان و استرآباد فرستاده. و چندین بار این طایفهٔ شجاعت‌کردار به غدر ارامنه و به رزم عثمانیه و به محاربهٔ ترکمانیه و اوزبکیه در هریک از ثغور ثلاثه و

سرحدات سه گانه ایران مقتول شدند تا نوبت سلطنت صفویه به شاه سلطان حسین رسید، و افاغنه بر او غلبه کردند.

و نواب فتحعلی خان بن شاهقلی خان مهدی خان بن محمدولی خان بن شاهقلی خان قاجار قوینلو حاکم گرگان و استرآباد و مازندران چنانکه مسطور گشت با افاغنه رزمها کرده و حمایت شاه طهماسب گزیده به نیابت سلطنت و وکالت دولت مخصوص گشته، شاه را به تسخیر ارض اقدس و محاصره مشهد مقدس برد و به غدر نادر و قضای صادر شهادت یافت، و نادر به ملاحظه اندیشه مآل مهدی نامی از قاجار که پدرش در دست خان والاشان کشته شده بود، در خون او دخیل نمود؛ و همچنین شاه طهماسب را به دست محمد حسین خان قاجار مقتول ساخت که خود بری الذمه باشد و سلسله قاجاریه و صفویه با یکدیگر خونخواهی کنند.

و گروهی از ارباب سیر و اصحاب خبر برآنند که اصل این قبیله جلیله از ترکستان به روم افتاده اند و در آن ولایات می زیسته در سال ششصد و پنجاه و سه (۶۵۳ هـ / ۱۲۵۵ م) که هلاکو خان از جانب برادر خود منگوقاآن به روم رفت به امر برادر از هر ده (۱۰) خانوار مغول دو (۲) خانوار با او برفتند و بر این قرار صد و بیست هزار (۱۲۰۰۰۰) کس از ایلات ترکستان در رکاب او مأمور آمدند که از سرحد ترکستان الی اقصای مصر و شام به محافظت ثغور و محارست سنور پردازند، از آن جمله ایل جلیل قاجار به سرحدات شام متوقف و مأمور شدند.

و در ایامی که امیر صاحبقران تیمور گورکان به شام رفت و آن بلاد را مسخر کرد، ایلات ترکستان را که قریب به صد هزار (۱۰۰۰۰۰) کس بودند در روم بازگذاشتن صلاح ندیده و ایشان را کوچانیده مأمور به ترکستان کرد؛ و بعضی از آنها به ترکستان شدند و جمعی در ایران و آذربایجان بمانند، ایل جلیل قاجار [۳] نیز در گنجه و ایروان سکونت جستند.

و برخی گفته اند که چون به توسط و تشفع جناب میرسلطان علی صفوی، امیر [تیمور] به اطلاق اسرای روم فرمان داد، لهذا این طایفه جلیله و جمعی از ایلات روم مانند بیگدلی ملقب به شاملو در آذربایجان و دیاربکر متوقف شدند و باعث ارادت طوایف شاملو و روملو و تکلو و قاجار و غیرهم به سلسله صفویه و اجتماع ایشان از دیاربکر برگردد شاه اسمعیل به جهت این منت بود. در همه حال ایل قاجار از ایلات

ترکستان و متوقف در ایران بوده‌اند و شاه عباس صفوی جمعی را در قراباغ و گروهی را در گرگان و خراسان و مرو حکومت و الکای داد. و در سال یک هزار و هشت هجری (۱۰۰۸ / ۱۵۹۹ - ۱۶۰۰ م) که شاه عباس به استرآباد رفت و قلعه مبارک‌آباد بر ساحل گرگان را که از بناهای شاه طهماسب ماضی بود و تراکمه خراب کرده بودند تعمیر کرد، حسین خان قاجار زید اُغلی را از گنجه کوچانیده با قاجاریه در آن قلعه سکنی داد که ترکمانان صابین خانی به استرآباد [دست] چپاول نیندازند و تطاول نتوانند. و طایفه مذکور قاجار سالها علی التناوب در آن ولایت به حکومت و سالاری می‌پرداختند تا در عهد دولت سلطان حسین صفوی نوبت سروری قاجار و رعیت‌پروری استرآباد به نواب فتحعلی خان قوینلو رسید.

ذکر مجملی از آغاز حال نواب خان جلیل‌الشان فتحعلی خان قاجار قوینلو که جد امجد سلاطین قاجاریه است و بیان صوادر حال او

بر هوشمندان دقیقه‌یاب ظاهر است که مردانِ بلندهمت به مراتب پست قناعت ننمایند و شیرانِ صیدشکنِ گور فکن در گوشه آجام گرسنه نمانند، آفتاب در پس سحاب مخفی نگردد و آتش در زیر خس و خار منطفی نباشد. نواب فتحعلی خان قاجار هم از آغاز شباب طالب مراتب اعلی بود و در بزرگان به چشم خردی نظاره می‌نمود با ایل و خدمه و برادران خود در ساحل گرگان شاهانه می‌زیست و مردانه معیشت می‌کرد.

امناء دولت شاه سلطان حسین از ترکمانان قزوین، محمدخان نامی بیگلریگی استرآباد کردند و میرزا احمد نامی قزوینی را نیابت حکومت وی دادند و بعضی از معاندین تراکمه و مفسدین قاجاریه که از وجود فتحعلی خان اندیشناک بودندی با حاکم و نایب معاهده و معاهده کردند که آن خان جلالت بنیان را از میان بگیرند و اثاثه شوکت و حشمت او را متصرف شوند؛ و در کار حکومت استرآباد و گرگان

استقلال یابند. لهذا تدبیری اندیشیده نواب خان والاشان و دو برادر دیگرش حاجی فضلعلی و محمدعلی بیک که از وی مهتر و کهنتر بودند، علی الغفله بگرفته به قید درآوردند. اما خان والاشان از محبس مستخلص شده و دو برادرش را به سعایت قاجاریه یوخاری باش که با طایفه اشاقه باش معاندت داشتند به قتل آوردند و کینه دیرینه که فی مابین این دو فرقه بود تجدید کردند.

چه گروهی گفته اند که: ایل جلیل قاجار در ایام توقف قلعه مبارک آباد بسیار بودند و قلعه مذکوره گنجایش همه را نداشت و طایفه ای که بر فراز قلعه منزل داشتندی ایشان را یوخاری باش و طایفه ای که در نشیب ساکن، آنان را اشاقه باش می نامیدند و آن طایفه که اشاقه باش، قوینلو بودند، گوسفند در ایل ایشان بیشتر بوده است. و آنان که بر فراز قلعه بودندی و شتر زیاده داشتندی به دولو^۱ موسوم شدند. و این قول خالی از سخافتی نیست؛ زیرا که طایفه قوینلو سالهاست که بدین لقب ملقب بوده اند، و در تواریخ مسطور؛ و از دولو در تواریخ اصلاً نامی مذکور نگردیده است، معلوم می شود که لقبی جدید است.

و بعضی گفته اند که هنگام توقف ایروان بعضی قاجاریه قوینلو در قریه موسوم به دولو سکونت داشتند، لهذا بدین نام معروف گشتند، چنانکه قاجار گنجه و قاجار مرو و قاجار قزوین را بدان بلاد موسوم کردند. و گفته اند که اشجع هر طایفه را نیز قاجاریه خواندند چنانکه قاجار افشار و قاجار ترکمان.

علی ای حال همانا در وقتی از اوقات بعضی از عمله و خدمه این دو طایفه در تصرف مراتع دواب یا سببی دیگر از اسباب با یکدیگر منازعتی و مناقشتی کردند تا بین الطایفین کار به معادات و مخاصمات کشید و در هنگام فرصت به کشتن یکدیگر می پرداختند. کارگزاران سده دولت و متصدیان امور حکومت، این فساد را صلاح حال خود شمرده پیوسته در نفاق ایشان می افزودند که این ایل جلیل را به یکدیگر مشغول و از یکدیگر مقتول کنند و به اندیشه سروری و زیاده سری نرفتند. و چنانکه مذکور شد به سعایت قاجاریه یوخاری باشیه دو برادر خان نامور که سر حلقه و سرهنگ ایل و عشایر اشاقه باشیه بودند مقتول نمودند، کینه کهن تازه شد و

۱. در متن: دوالو؛ ولی در بیشتر منبع عصر قاجار: دولو و بدین سیاق در تمام متن به دولو اصلاح شد.

کوس سپهداری قوینلو بلند آوازه گردید.

مع القصة نواب فتحعلی خان بعد از رهایی از قید محمدخان ترکمان بیگلربیگی استرآباد و گرگان، چون شیران خشمگین کمرکین بر میان بسته و به گرمی آتش تند از آب گرگان درگذشته، به میان تراکمه یموت صاین خانی رفته، قصه پر غصه خود بازگفته، سرادران یموت که ایشان را از او قوت و قوت بود، مراتب جلالت و کفایت او را بارها دیده و پایه شجاعت و بسالت او را فهمیده بودند به طریق مطاوعت و متابعت رفتار نمودند متفق الکلمه گفتند: رای رای توست (ع)

ما همه گوشیم تا چه فرمائی

هم در این حال خیر شهادت دو برادر با جان برابر به خان والاشان قوینلوی قاجار در رسیده به سوگ آن دو دلیر سپهدار جامه بردریده، سران ترکمان نیز به موافقت آن بزرگوار رسوم سوگواری آشکار کردند، زنان و مردان هر اوبای، موی بکنند و مویه بر آوردند و گریبان جامه‌ها بدریدند و دنبال مراکب ببریدند.

لمؤلفه

یکی ویله برخواست از کوه و دشت	غریو جوانان ز گردون گذشت [۴]
به سوگ دو سرور به عهد شباب	بکنند موی و فشانند آب
به سوگش همه ناله بر میغ شد	به خونش همه دست بر تیغ شد
همی رست گفתי ز گرگان زمین	نی و تیغ و پیکان پی رزم و کین
شب تیره راندند زان سوی آب	نمانند تا سرزند آفتاب

سپهسالار قاجار و سواران جزار شب هنگام با استبداد و استعدادی تمام و احتشاد و احتشامی مالا کلام از رود گرگان گذشته به گرداگرد قلعه مبارک آباد آمدند. محمدخان ترکمان بیگلربیگی و میرزا احمد نایب‌الایاله در چارموجه اضطراب، چون کشتی طوفان منزلزل شدند و قلعگیان را به حفظ برج و باره و سرادران را به جمع پیاده و سواره تأکید نمودند. از دو سوی مقدمات جنگ و نعره توپ و تفنگ گرم گردید:

لمؤلفه

همی آمد از دشت گرگان گروه به عدت چو مور و به قوت چو کوه